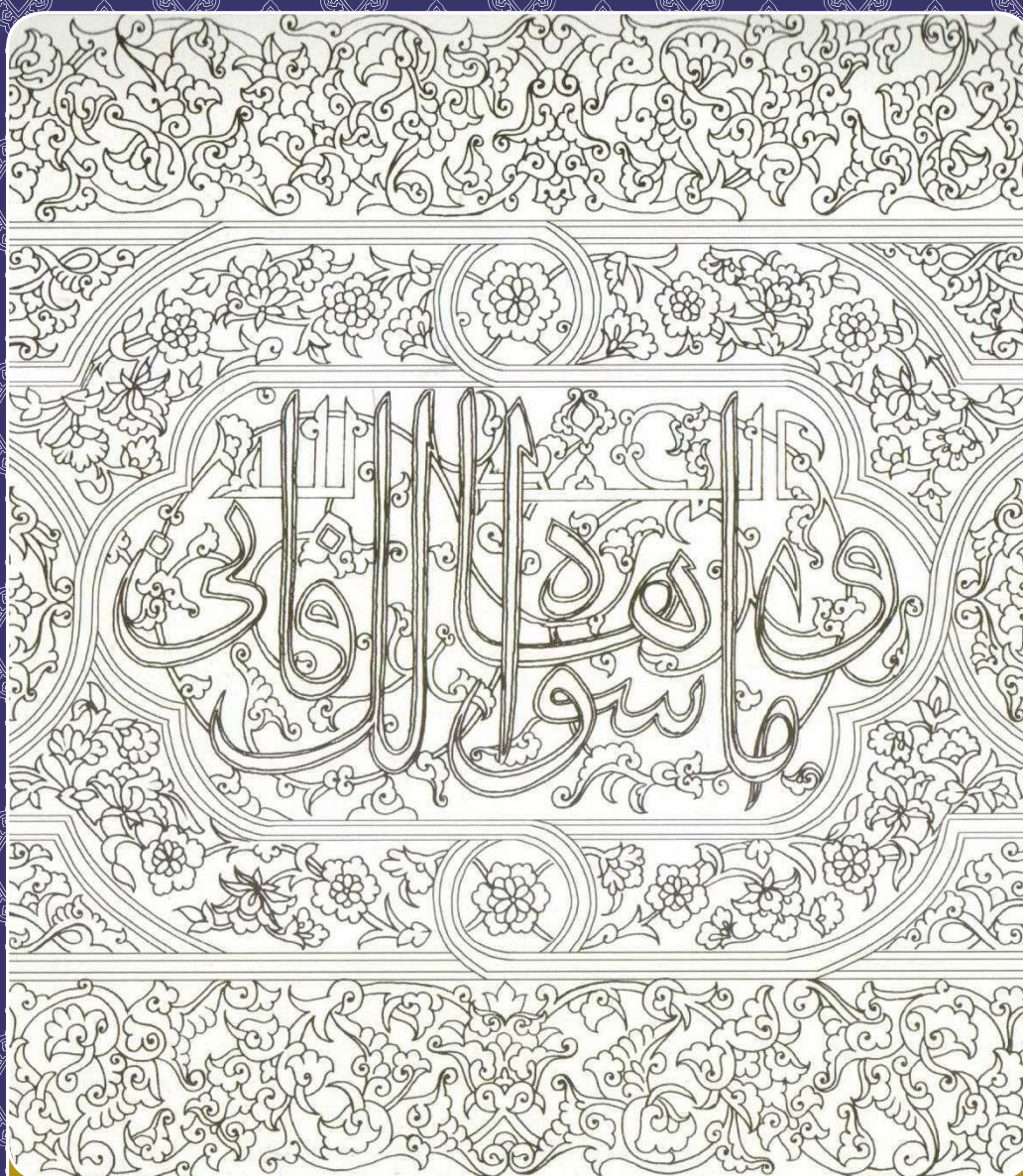


# بخش پنجم؛ تازه درگذشتگان



بخشی از طراحی‌های کتیبه صندوقی مزار بایسنغمیرزا در گازگناه هرات



## دکتر شیر احمد نصری حق شناس

دکتر شیر احمد نصری حق شناس در سال ۱۳۱۵ در روستای درخیل شهرستان رُخه پنجشیر چشم به جهان گشود. مکتب ابتدایی را در پنجشیر پشت سر گذاشت و بعداً به کابل رفت و وارد مکتب نظامی شد. بعدها در جریان کار، دبیرستان شبانه را خواند و وارد دانشگاه کابل (رشته روزنامه‌نگاری) شد. سپس به تهران رفت و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران به دست آورد. عنوان پایان‌نامه دکترای وی سبک ادبی در دوره‌های ملوک غور و آل کرت هرات بود که تا کنون به چاپ نرسیده است.

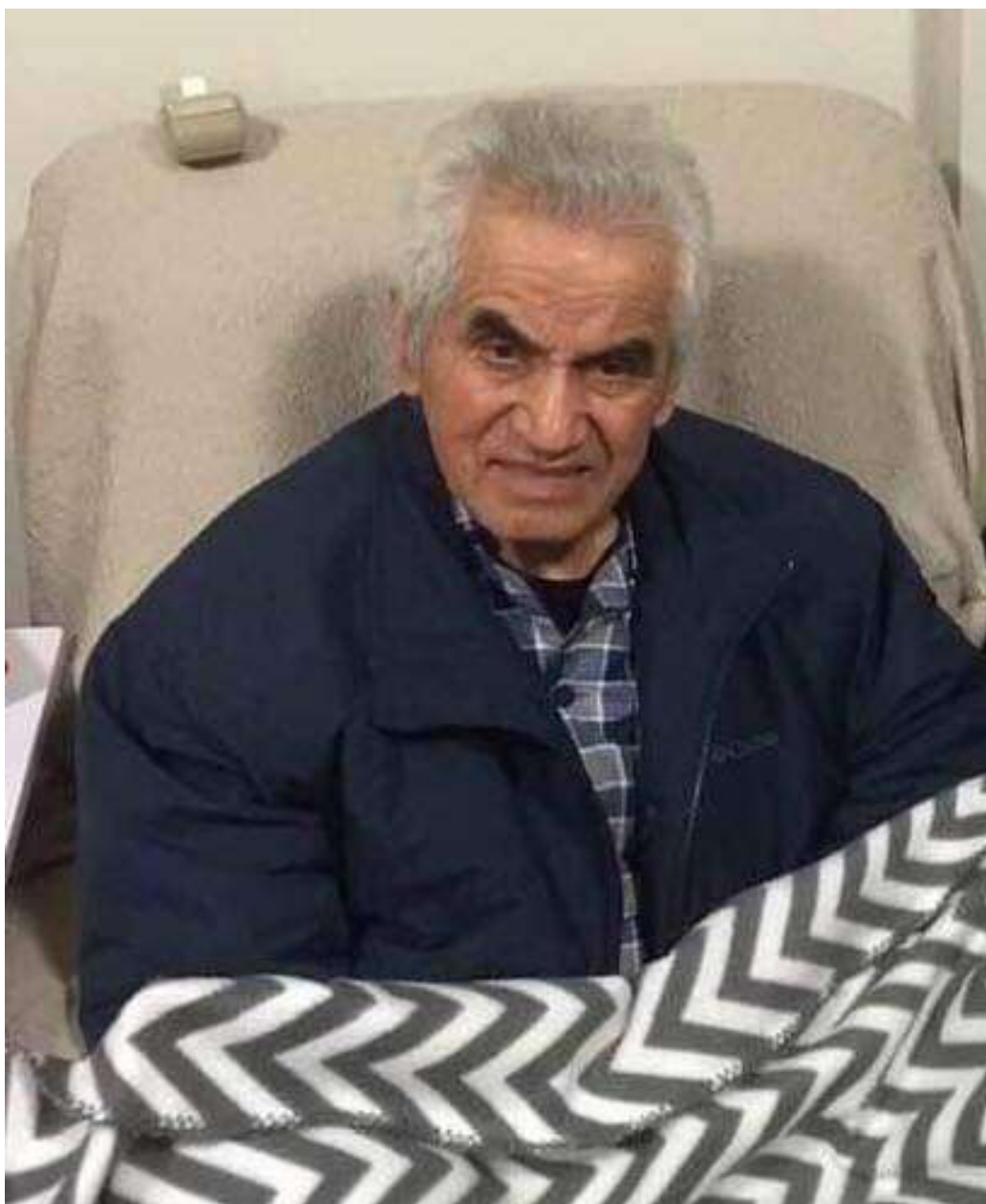
حق شناس پس از بازگشت به کابل، به عنوان مدیر مسئول مجله لمر در وزارت اطلاعات و فرهنگ توظیف شد. یک سال بعد به ریاست نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ رسید. هم‌زمان با این مسئولیت‌ها، با نوشتن مقاله‌هایی در مطبوعات آن دوره و نیز تألیف کتاب‌هایی چون تصویر غزنه در آئینه بیهقی و تصویر سیاسی و اجتماعی دوره غزنویان در تاریخ بیهقی به تحقیقات ادبی و تاریخی مشغول بود.

در این زمان جهت آموختن زبان انگلیسی برای یک سال راهی استرالیا شد. پس از برگشت به کشور و با سرنگونی نظام سلطنتی کار را در دولت ادامه نداد. او به عنوان استاد قراردادی در دانشگاه کابل به تدریس مشغول شد و در منطقه بهارستان کابل، کتاب‌فروشی بهارستان را گشود.

با تهاجم ارتش سرخ شوروی به افغانستان، حق شناس در سال ۱۳۵۹ به پشاور پاکستان پناهنده شد. او در سال‌های نخست دهه هشتاد عضو ارشد جمعیت اسلامی افغانستان بود و مسئولیت دفتر بورد مشورتی این حزب را در دفتر اسلام‌آباد به دوش داشت. از او در آن سال‌ها در نشریات این حزب مقاله‌های متعددی منتشر شد و آثاری نیز در مورد تاریخ افغانستان چاپ کرد. از تألیفات او در این دوران به ۱- دسایس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست محمدخان تا







ببرک کارمل ۲- تحولات سیاسی جهاد افغانستان (سه جلد) ۳- در جنگل تمدن (دو جلد) ۴- اقتصاد روسیه ۵- تصویر روس در آینه تاریخ ۶- شناخت روسیه از دید دیگران می توان اشاره کرد.

حق شناس که پژوهش های خود را با کارهای ادبی و تاریخی آغاز کرد در زمان حضور در پاکستان از این رشته اندکی دور شد و بیشتر به کارهای سیاسی و ایدئولوژیک پرداخت اما در ادامه و با سفر به استرالیا دوباره به رشته اصلی خود بازگشت. او در سال های پسین عمر





واژه‌نامه‌ای با نام جامع الکلام در دوازده جلد در شرح واژه‌های پارسی آفرید. تنها ردیف حرف نخست (آ) این واژه‌نامه حدود ۹۰۰ برگ است. این اثر ارزنده او دست کم در ردیف فرهنگ معین و سخن و... قرار دارد و شایسته است به زیور چاپ آراسته شود. او سرانجام در ۱۷ فروردین / حمل ۱۳۹۹ در شهر سیدنی استرالیا چشم از جهان فرو بست.

## غلام حیدر حیدری وجودی

غلام حیدر پُرآوازه به «حیدری وجودی» فرزند مولانا شفیع‌الله در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در پنجشیر به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۶ شامل مکتب ابتدایی «رخه» شد. بعد از فراغت از صنف ششم در سال ۱۳۳۳ به کابل آمد. او از سال ۱۳۳۶ - ۱۳۴۲ شش سال خدمت سربازی را انجام داد. در سال ۱۳۴۳ در وزارت معارف انجمنی به نام «انجمن شعرای افغانستان» ایجاد شد و حیدری در آن انجمن به حیث محرّر مشغول شد. از سال ۱۳۴۳ به کتاب‌خانه‌های عامه افغانستان رفت و مسئول بخش جراید و مجلات مرکزی کتاب‌خانه عامه شد که تا پایان عمر این وظیفه را به دوش داشت.

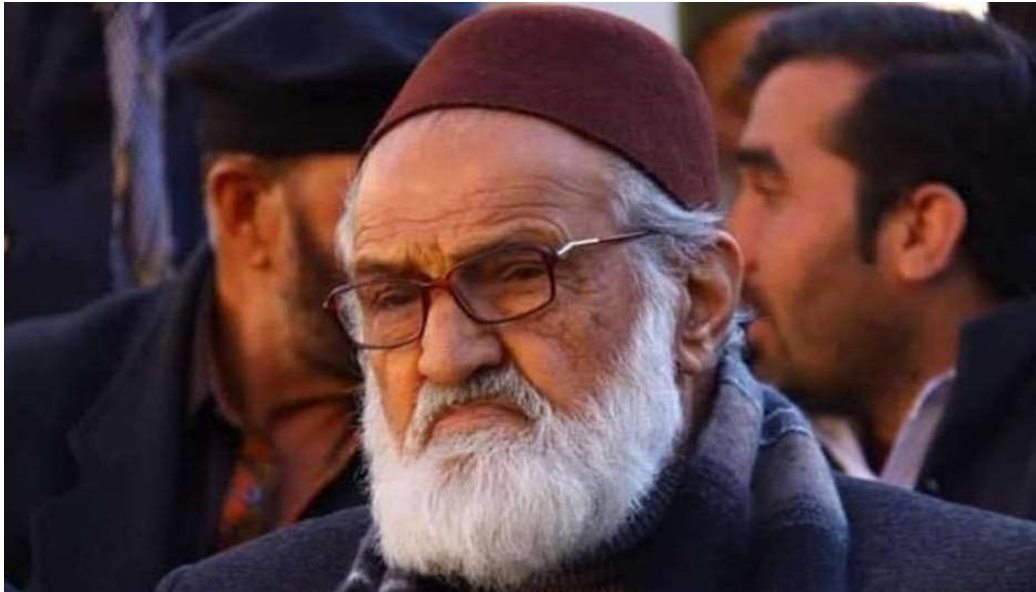
از دیگر وظایف او باید به عضو رهبری انجمن نویسندگان افغانستان و رئیس کانون دوستداران مولانا و تدوین مجله نای در دهه شصت خورشیدی اشاره کنیم. این جمع در سال ۱۳۶۵ نخستین عرس مولانا جلال‌الدین بلخی را در کابل برگزار کرد. او سال‌ها در جراید افغانستان به نگارش مقاله‌های مختلف ادبی و عرفانی پرداخت. جز این‌ها از سال ۱۳۶۸ نشست‌های مثنوی‌خوانی و چهارعنصرخوانی را در کتاب‌خانه عامه کابل به پیش می‌برد. او در ۲۱ خرداد / جوزای ۱۳۹۹ به اثر بیماری کرونا در کابل درگذشت.

### کارنامه ادبی حیدری وجودی

حیدری وجودی از خردسالی به ادب و عرفان روی آورده بود. در شعر از مولوی و بیدل پیروی می‌کرد، عرفان و تصوف درون‌مایه شعرهایش است. او در سرایش اشعارش هیچ‌گاه از سبک قدما پا را فراتر نهاد و اشتیاقی به طبع‌آزمایی در قالب‌های مدرن و امروزی نداشت. از او تا کنون ۱۴ دفتر شعر قرار زیر چاپ شده است.

عشق و جوانی (۱۳۴۹)، رهنمای منظوم پنجشیر (۱۳۵۱)، نقش امید (۱۳۵۵)، با لحظه‌های سبز بهار (۱۳۶۴)، سالی در مدار نور (۱۳۶۶)، سایه معرفت (۱۳۷۵)، ارغنون عشق (۱۳۷۷)،





میقات تغزل (۱۳۷۸)، صور سبز صدا (۱۳۷۹)، غربت مهتاب (۱۳۸۲)، لحظه‌هایی در آب و آتش (۱۳۸۳)، آوای کبود (۱۳۸۳)، ارغنون عشق (۱۳۷۷)، شکوه قامت مقاومت (۱۳۸۳)، رباعیات و دوبیتی‌ها (۱۳۷۹)، دیوان حیدری وجودی (۱۳۹۴) شامل پانزده دفتر شعری از ۱۳۴۸ - ۱۳۸۳ و اشعار جدید، آینه معجزنا؛ خلاصه چهارعنصر میرزا عبدالقادر بیدل (۱۳۹۷).

از دیگر آثار و پژوهش‌های او به مقدمه‌هایی بر دیوان صوفی عشق‌ری، دفتر اشعار صادقی (عارف معاصر)، ترکیبات آثار غزالی، ترکیب‌های شعری نظامی گنجوی، گردآوری و تصحیح اشعار عشق‌ری و گزیده غزل‌ها از واصل کابلی تا واصل باختری باید اشاره کنیم.

به نظر می‌رسد که تأثیرگذاری حیدری وجودی بیش‌تر به سبب راه‌نمایی‌ها و ارشادات وی به نسل جوان و تدویر نشست‌های مختلف ادبی بود اما در حوزه سرایش شعر و پژوهش‌های ادبی نوآوری‌ها و سبک خاصی در آثارش دیده نمی‌شود. با این همه مورد قبول گروهی از مردم بود و بر بسیاری از شعرهایش آهنگ‌هایی نیز ساخته شده‌است. شمار مقاله‌های پژوهشی او اندک است.

## دکتر حمیرا نکهت دستگیرزاده

حمیرا دستگیرزاده در ۲۶ اردیبهشت / ثور ۱۳۳۹ در کابل به دنیا آمد. خانم نکهت به خاطر شغل پدرش که نظامی بود تا صنف / کلاس ۱۲ را در سه شهر و شش مکتب خواند و بالاخره در





سال ۱۳۵۷ از دبیرستان زرغونه کابل سند فراغت گرفت. او در سال ۱۳۵۸ وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل شد.

او در همان سال‌های تحصیل هم‌کاری‌اش را با چند مجله معروف وقت و برنامه‌های مختلف فرهنگی و ادبی در رادیو افغانستان آغاز کرد. در سال ۱۳۶۲ کارمند رسمی این رادیو شد و به عنوان نویسنده و تهیه‌کننده فعالیت می‌کرد. نکهت از سال ۱۳۶۴ هم‌کاری‌اش را با انجمن نویسندگان جوان آغاز کرد و در تأسیس برنامه‌های ادبی در مکاتب و دانشگاه‌های کابل نقشی اساسی داشت. در سال‌های بعد، مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی را در صوفیه بلغارستان به پایان برد. او سپس با خانواده‌اش به هلند کوچید و از بنیان‌گذاران انجمن شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان (انشا) در این کشور بود. نکهت دستگیرزاده بیش از دو دهه گرفتار بیماری مهلک سرطان بود و سرانجام در ۱۴ شهریور / سنبله ۱۳۹۹ در شصت سالگی در هلند درگذشت.





## کارنامه ادبی نکهت دستگیرزاده

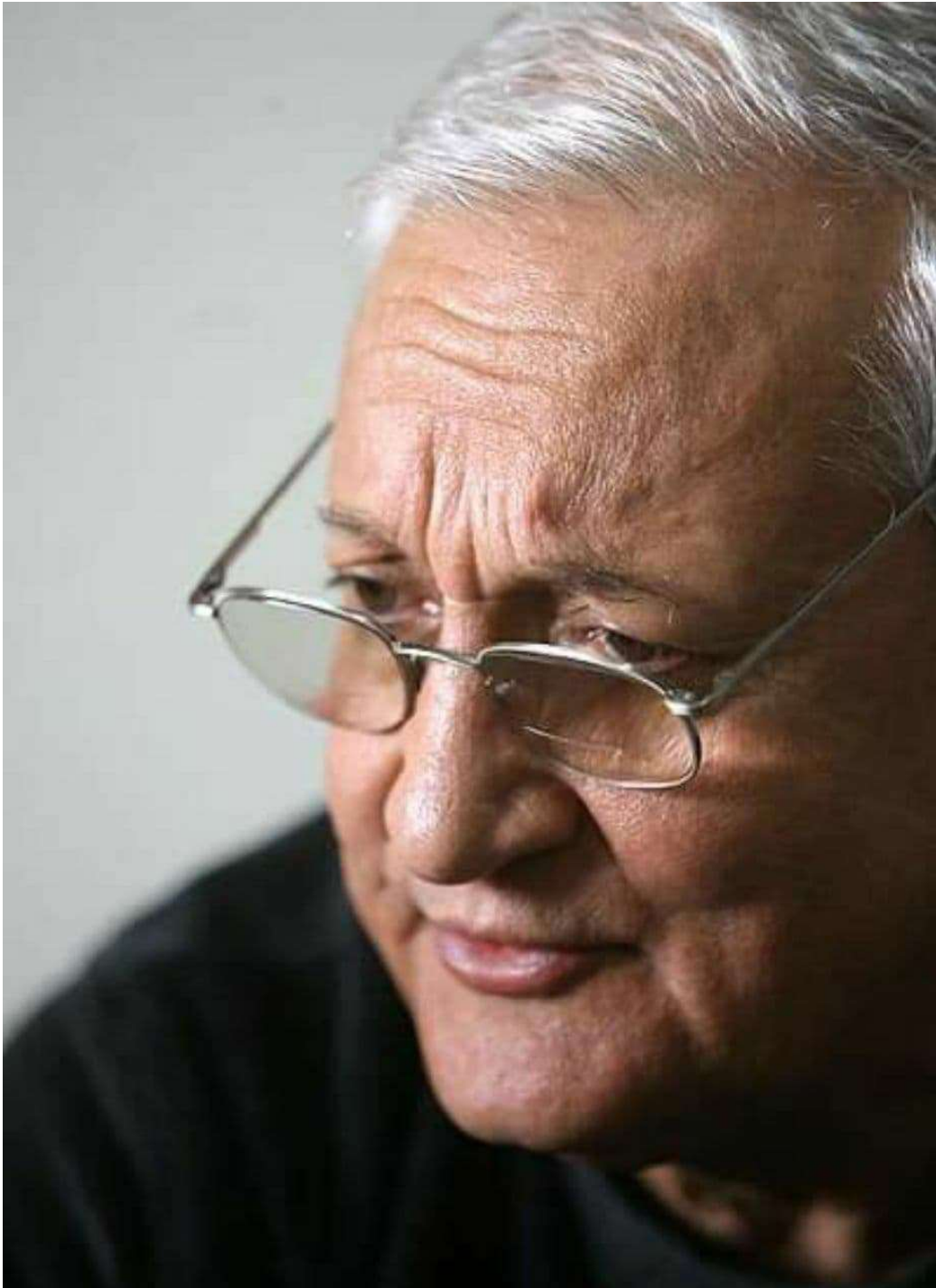
حمیرا نکهت دستگیرزاده، از دوازده سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و از پانزده سالگی به بعد شعرهایش در مجلات و نشریه‌های مختلف به چاپ می‌رسید. او شاعر پرکاری بود و کار سرودن به ویژه در قالب‌های غزل، سپید، نیمایی، دوبیتی و ... را تا آخرین لحظات عمر خود ادامه داد. از نکهت دستگیرزاده بیش از ۱۳ مجموعه شعر منتشر شده که جایگاه او را به عنوان یکی از نامدارترین شاعران زن معاصر در افغانستان نشان می‌دهد.

شط آبی رهایی (۱۳۶۹)، غزل غریب غربت (۲۰۰۳)، به دور آتش و دریغ (۲۰۰۹)، آفتاب آواره (۲۰۱۱)، هیچ نتوان گفت در پنجاه سال (۲۰۱۱)، کوچه‌های روشن ماه (۲۰۱۲)، تلخ در آتش (۲۰۱۳)، از سپیده لبریز (۲۰۱۳)، از پوست تا پوست (۲۰۱۳)، پروانه‌های پندار (۲۰۱۴)، در مفصل دروغ و دعا، جای دردناک دره‌ها، ریشه‌های همیشه، الفبای سلطه (۱۳۹۸) و خواهرخوانده مرجان‌ها هستند. مجموعه‌ای هم از او به زبان هلندی منتشر شده است. روی برخی از شعرهای او آهنگ‌هایی نیز ساخته شده است.

## محمد اعظم ره‌نورد زریاب

ره‌نورد زریاب نویسنده، روزنامه‌نگار و داستان‌نویس نامور ادبیات فارسی در افغانستان در چهارم شهریور / سنبله ۱۳۲۳ خورشیدی در کابل زاده شد. پدرش اهل غزنه و مادرش از شمال افغانستان بود. تحصیلات دوره ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان حبیبیه به پایان رساند و در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه کابل شد و در رشته روزنامه‌نگاری به تحصیل پرداخت. در همین سال واجد شرایط بورسیه‌ای یک ساله شناخته شد و به نیوزلند رفت. سپس به کابل بازگشت و تحصیل خود را در دانشگاه کابل ادامه داد. در زمستان ۱۳۴۷ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۴۸ به خدمت نظامی پرداخت و یک سال بعد جذب وزارت اطلاعات و فرهنگ شد. در سال ۱۳۵۰ خورشیدی به بریتانیا رفت و از دانشگاه ویلز جنوبی گواهی‌نامه کارشناسی ارشد به دست آورد. زریاب پس از ختم تحصیل به افغانستان بازگشت و تا سال ۱۳۶۳ خورشیدی، مشغول کار و مدیریت مجله‌ها، روزنامه و نشریه‌های مختلف از جمله روزنامه اصلاح، انیس، مجله ژوندون، و دو مجله انگلیسی‌زبان و هم‌چنین مدیر و رئیس بخش‌های مختلف وزارت فرهنگ بود. در این میان در ۱۳۵۳ با اسپوژمی زریاب ازدواج کرد و در ۱۳۵۸ مدتی را در زندان پل چرخی گذراند.





نامه یاسنغر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی

در سال ۱۳۶۳ دبیر بخش داستان نویسی اتحادیه نویسندگان شد و در سال ۱۳۶۸ به عنوان رئیس اتحادیه نویسندگان افغانستان برگزیده شد؛ اما در سال ۱۳۷۰ از آن استعفا کرد و پس از آن در کابل به کار بازرگانی پرداخت.



از سال ۱۳۷۲ خورشیدی و پس از بروز جنگ‌های داخلی کابل را ترک کرد و ابتدا به پاکستان رفت و سپس رهسپار فرانسه شد. در سال ۱۳۸۲ به خواست دفتر ریاست دولت به کشور بازگشت و مشاور وزیر فرهنگ بود. یک سال بعد از این وظیفه کناره‌گیری کرد و تا پایان عمر به عنوان مشاور ادبی و فرهنگی تلویزیون خصوصی طلوع مشغول به کار بود. از این پس در آپارتمانی در گوشه‌ای از کابل نشست و داستان نوشت و فعالیت ادبی نمود و ضمن آن راه‌نمایی مجموعه‌ای از نویسندگان را عهده‌دار شد و به اصلاح و ویرایش متن‌های آن رسانه پرداخت. او در ۲۰ آذر / قوس ۱۳۹۹ به اثر بیماری کرونا چشم از جهان فرو بست.

ره‌نورد زریاب، در دوره مکتب / مدرسه به جنبش چپ طرفدار شوروی پیشین علاقه‌مند گردید و از اندیشه‌مندان این جریان تأثیر پذیرفت اما با این همه، هیچ‌گاه نخواست که عضو رسمی حزب دموکراتیک خلق باشد. زمانی که در سال ۱۳۵۰ خورشیدی برای تحصیل به انگلستان رفت، با مشاهده جهان غرب، به یافته‌ها و باورهای نوینی دست یافت.

### کارنامه ادبی زریاب

ره‌نورد زریاب هنگامی که دانش‌آموز مدرسه بود، دست به نوشتن برد و نخستین داستان‌های خود را در مجله‌های گوناگون کشور به چاپ رسانید. از آن زمان تا هنگام مرگ بیش‌تر از صد داستان کوتاه نوشت و حتی شماری از داستان‌هایش در اتحاد شوروی سابق، ایران، فرانسه، پاکستان و آلمان فدرال اقبال چاپ یافتند.

اختر مسخره (۱۳۵۸) فیلم‌نامه، آوازی از میان قرن‌ها (۱۳۶۲) داستان‌های کوتاه، مرد کوهستان (۱۳۶۳) داستان‌های کوتاه، دوستی از شهر دور (۱۳۶۵) داستان‌های کوتاه، پیراهن‌ها (۱۳۶۵) ترجمه داستان‌های کوتاه از نویسندگان چند کشور، نقش‌ها و پندارها (۱۳۶۶) داستان‌های کوتاه و میانه، حاشیه‌ها (۱۳۶۶) دفتری از جستارها، گنگ خواب‌دیده (۱۳۶۶) دفتری از جستارها، دور قمر (۱۳۷۳-۱۳۷۵) نگرشی بر رویدادها افغانستان از کودتای اردی‌بهشت / ثور ۷۵۳۱ تا ظهور طالبان در نشریه وفا در پیشاور پاکستان، شمعی در شبستانی (۱۳۸۰) دفتری از جستارها و یادواره‌ها، گلنار و آینه (۱۳۸۱) رمان، هذیان‌های دور غربت (۱۳۸۱) طنزگونه‌ها، چه‌ها که نوشتیم (۱۳۸۲) دفتری از جستارها، زیبای زیر خاک خفته (۱۳۸۸) گزینه داستان‌های کوتاه، پایان کار سه روئین تن؛ هشت جستار و یک گفت‌وگو (۱۳۸۹)، و شیخ قدس الله سره گفت (۱۳۸۹) داستای‌ها، چارگرد قلا گشتم (۱۳۹۰) رمان، شورشی که آدمی زادگان و جانورکان بر پا کردند (۱۳۹۱) رمان، داستان‌ها (۱۳۹۳) پنج داستان مردی که سایه‌اش ترکش کرد، شهر







طلسم شده، دزد اسب، و باران می بارید، سگ و تفنگ، کاکه شش پر و دختر شاه پریان (۱۳۹۳) رمان، قلندرنامه (۱۳۹۳) ریزه نگاری ها، مارهای زیر درخت سنجد و سه داستان دیگر (۱۳۹۴)، آزادی اندیشه و گفتار و زنگی مست شمشیر به دست (۱۳۹۵) دفتری از جستارها و یادواره ها، درویش پنجم (۱۳۹۵) رمان، سکه ای که سلیمان یافت (۱۳۹۷) رمان، و ... از جمله کتاب های چاپ شده او هستند.

چند سال پیش انتشاراتی در کابل برای ادای احترام به او و کارنامه ادبی اش، به نام او (زریاب) نام گذاری شد و در سال ۱۳۹۵ مراسمی برای بزرگداشت از او به پاس پنجاه سال فعالیت ادبی و رسانه ای در این شهر برگزار شد. در پایان همین سال، مجله بخارا با هم کاری چند نهاد دیگر، برنامه ویژه ای برای نکوداشت از کارنامه رهنورد زریاب با عنوان «شب زریاب» برگزار کردند و شماره ۱۱۸ مجله بخارا را به او اختصاص دادند که چند ماه بعد از این مراسم منتشر شد. نهادهایی دیگر چون دانشگاه فردوسی نیز در مشهد به تقدیر از کارنامه او پرداختند و چهارمین جشنواره قند پارسی با ستایش از زریاب به کار خود پایان داد.

درست نویسی و پیراسته سازی زبان فارسی از واژگان بیگانه در یکی از رسانه های پُر بیننده در افغانستان موجب شد که او در احیا و زندگی بخشیدن به زبان فارسی در این برهه از زمان نقشی برجسته داشته باشد. پاسگاه، دادگاه عالی، دادستانی، فرمانده، ارتش، ستاد ارتش، رسانه، دبیرخانه، دانشگاه و دانشکده، بیمارستان، و ... واژه هایی هستند که به دلایل سیاسی، رسانه های نوشتاری و دیداری دولتی افغانستان از کاربرد آن ها پرهیز می کنند و به جای آن ها از برابرواژه های پشتو استفاده می شود. زریاب مردانه در خط نخست دفاع از زبان و هویت خود ایستاد و با استفاده از آن ها در رسانه ای پر بیننده به گسترش و توانگری زبان فارسی در افغانستان کمک کرد.



نامه بایسنقر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی